



حق جهاد و استقامت

انسانیت منشوری لاریجانی

را که در میان عوامل مخرب در حال تکوین بود، در نطفه خفه کند. انگیزه دفاع و مبارزه در آیاتی از قرآن کریم چنین بیان شده است: «اذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر.» (سوره حج - آیه ۳۹)، اجازه جنگ و مبارزه به جنگجویان اسلام داده شد، زیرا آن‌ها از دشمن ستم کشیدند و خدا بر یاری آن‌ها قادر است.

در جای دیگر، علت رخصت و مجاز دانستن دفاع و مبارزه برای مجاهدان را در حفظ کبان دین و ارزش‌های مکتب می‌داند و بیان می‌دارد که اگر مسلمانان حق دفاع و مبارزه با دشمنان را نداشته باشند، دشمنان بر آنان می‌تازند و ضمن محو همه آثار و ارزش‌های دینی، همه چیز آن‌ها را به ویرانه مبدل خواهند کرد: «و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یدکر فیها اسم الله کثیراً و لینصرن الله من یتصره ان الله لقوی عزیز.» (سوره حج - آیه ۴۰) «اگر خدا رخصت جنگ ندهد؛ و رفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند؛ همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار می‌شود، همه خراب و ویران خواهد شد، هر که خدا را یاری کند، البته خدا او را یاری خواهد کرد.»

البته خداوند رخصت مبارزه را تا رفع تجاوز می‌دهد و زمانی که خطری از ناحیه هیچ کس اسلام را تهدید نمی‌کند، ادامه جنگ را جایز نمی‌داند و مقیاس دفاع را در حد تجاوز می‌داند و تأکید دارد که جنگجویان، از حد، تجاوز نکنند:

«و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعدوا ان الله لایحب المعدین.» (سوره بقره - آیه ۱۹۰) «در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید، ولی مراقب باشید که از حد، تجاوز نکنید.»

از آن‌جا که اسلام یک مکتب جهانی و برای همه افراد بشر است، نمی‌تواند در مرزهای جغرافیایی یک منطقه محصور بماند، و نیز برای اشاعه و گسترش آن، تنها نیروی قلم و بیان کافی نیست. اصولاً هر نظام حیات‌بخشی که بخواهد، نظام‌های کهن و عقاید پوسیده را در هم بریزد، خواهناخواه مورد تعرض گروه‌هایی که بر مطامع و سودمندی آن‌ها لطمه وارد می‌شود و عادات و رسوم آنان را تهدید می‌کند، قرار خواهد گرفت که متعاقب آن جنگ و درگیری را به دنبال خواهد داشت.

گروهی از مردم چنان بر عادات و رسوم انحرافی خود پافشاری

دفاع از مال و جان و تمامیت ارضی و حفظ حریم دین و آزادی، حق مسلم هر فرد مؤمن به اسلام و قرآن است. اسلام نه تنها این حق را به هر فرد مسلمان می‌دهد، بلکه مبارزان و جهادگران را می‌ستاید و آن‌ها را به اجر و ثواب عظیم آخرت نوید می‌دهد. یکی از مهم‌ترین موانعی که بر سر راه اجتماعات بشری و دست‌یافتن آن‌ها به حقوق‌شان وجود دارد، گروه ستم‌گری هستند که بر همه امور تسلط دارند و همه نیروها و ثروت‌های جامعه بشری را به استخدام خود درمی‌آورند. به همین جهت بر مصلحان اجتماع واجب است که این دست‌ها را قطع کنند و مردمان را به ایستادگی و مقاومت سخت در مقابل آنان برانگیزانند؛ پیامبران الهی در این تحریک و برانگیختن مردم برای استیفای حقوق خویش و ایجاد مرکزیت برای این مبارزه‌ها، سهمی عمده داشتند، چه آنان با سلطه‌های باطل، سخت مبارزه می‌کردند و در مقابل مستکبران و ثروتمندان غاصب، در کنار توده‌ها می‌ایستادند و به پیکار می‌پرداختند.

هدف اسلام از جنگ‌ها و مبارزات بر ضد مشرکان، انگیزه‌های مادی، نظیر کشور گشایی، توسعه‌طلبی یا تسلط بر منابع اقتصادی دیگران نبوده است، در این موضوع باید حساب اسلام را از سایر مکاتب جدا ساخت. اسلام هدف‌های بس عمیق و بزرگی را تعقیب می‌کند. اسلام آمده است تا بشریت را از چنگال ستم‌گران نجات دهد و تسلط و عدالت اجتماعی را، با لغو امتیازات قومی و نژادی، حاکم سازد و حیثیت به‌غارت‌رفته انسان را به او برگرداند. اسلام با این هدف متعالی، وضع موجود اشراف و ستم‌گران غاصب را تهدید می‌کند، از این رو آن‌ها با تمام توان به میدان آمدند تا جلو نشر و اشاعه این آیین نوظهور را بگیرند و از پیشرفت آن جلوگیری کنند. در چنین شرایطی مسلمانان از طرف خدا مأمور به استقامت و دفاع از موجودیت اسلام شدند.

بیش‌تر جنگ‌های رسول اکرم (ص) دارای جنبه دفاعی بوده و گروه‌هایی برای سرکوب کردن و پراکنده‌ساختن اجتماعاتی که به فکر سازمان‌دهی و حمله به مدینه بودند، اعزام می‌شدند، در واقع جنگ پیامبر (ص) پاسخ به حملات دشمن بود و بیش‌تر به این منظور صورت می‌گرفت که پیش از آن که مخالفان موفق به تجهیز قوا برای حمله به مدینه شوند، آن‌ها را در هم بکوبد و جنبش‌های ضد اسلامی

جهاد، بیان گر صلابت و قدرت و اقتدار حکومت اسلامی است، والا دشمنان از ضعف بنیه‌های دفاعی سوء استفاده و به کشور اسلامی حمله می‌کنند.

از طرفی می‌دانیم که غضب یکی از غرایز بشر است که خداوند متعال آن را در آدمی بی‌حکمت نهاده است. آدمی همان گونه که می‌تواند غرایز درونی خود را در جهت مثبت به کار گیرد، به همان ترتیب باید غضب خود را در جهتی سالم به کار اندازد. بدین ترتیب جهاد در اسلام به‌نوعی همان ظرف و قالب شکل‌یافته غضب و خشم درونی انسان است که در راه خدا در قلب و زبان و دست یک مسلمان در مقابل منکرات ظاهر می‌شود. امیرالمؤمنین علی (ع) هنگام تبعید اباندر به ریزه او را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد:

«یا اباندر آنک غضبت لله فارح من غضبت له. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۰» «ای اباندر، تو برای خداوند خشم گرفتی، پس به کسی که برای او خشم گرفتی امیدوار باش.»

نکته مهم دیگری که در این قسمت باید مورد توجه قرار گیرد، این مساله است که اسلام جهاد و مبارزه را تنها در ارتش سازمان‌یافته و کلاسیک خلاصه نمی‌کند، بلکه بر این باور است که روح جهاد و استقامت و پایداری در مقابل انحرافات و کج‌روی‌ها باید به‌عنوان یک جریان تپنده و موج همه افراد جامعه را در بر گیرد، یعنی هر فرد مسلمان باید مجاهدی شجاع و با شهامت باشد. خداوند یکی از علل جنگ رو در رو را آزمایش مقاومت و پایداری مسلمان می‌داند:

«ولنبولنکم حتی تعلم المجاهدین منکم و الصابریین و نبلوا اخبارکم.» (سوره محمد آیه ۳۱). «هر آینه شما را آزمایش می‌کنیم تا مجاهدان راستین را از سست‌عصران لاف‌زن باز شناسیم.»

خداوند، با این امتحان می‌خواهد آمیختگی ایمان و استقامت را بیان کند، یعنی کسی که مؤمن است، همیشه شجاع نیز هست و هرگز ترس و خوف به خود راه نمی‌دهد. آن کسانی که به‌ظاهر خود را مسلمان می‌دانند، اما هنگام نبرد از معرکه می‌گریزند در حقیقت در ایمان و دین‌داری آن‌ها خللی وجود دارد. بدین ترتیب لازمه ایمان، استقامت و دلیری در مقابل دشمنان است:

«فلاتهنوا و تدعوا الی السلم و انتم الاعلون و الله معکم و لن یترکم اعمالکم.» (سوره محمد، آیه ۳۵). «در کار دین سستی نکنید و از روی ترس (کافران) را دعوت به صلح نکنید، خدا با شماست و از اعمال شما نمی‌کاهد.»

بنابراین، اسلام، اهمیت فوق‌العاده‌ای برای استقامت و پایداری مسلمانان قائل شده است، تا آن‌جا که لازمه ایمان را داشتن شجاعت و مقاومت در برابر شداید و سختی‌ها و تهدیدات و هجوم دشمنان می‌داند و حتی با آزمودن مسلمانان، آن‌ها را با نقاط ضعف و قوت‌شان آشنا می‌سازد. از یک طرف، توسعه تعالیم اسلام را رهین قدرت و قوت مسلمانان می‌داند و از طرف دیگر، قدرت و شجاعت را تنها در ابزار و ادوات جنگی خلاصه نمی‌کند؛ بلکه روحیه قوی و پُرصلابت افراد جامعه را ضامن ثبات و بقای حکومت و حیات سیاسی و اجتماعی یک کشور می‌داند، لذا استقامت و پای‌داری در مقابل زورگویی و خواسته‌های ناروای دیگران به‌منظور حفظ جان و مال و یا تقویت پایه‌های نظام خانوادگی و اجتماعی حق مشروع هر انسانی است. کسی را که برای گرفتن حق خویش مجاهده و تلاش می‌کند و در این راه از هر نوع مسامحه و سازش خودداری می‌کند نباید ملامت کرد، بلکه باید مقاومت و پایداری او را ستود. در حقیقت یکی از راه‌های حفظ و دفاع از آزادی و حقوق بشر همین است که انسان از جرأت و شهامت روحی بالایی برخوردار باشد. دشمنان فرصت‌طلب نیز وقتی با چنین انسان‌هایی مواجه می‌شوند، تنها به مال و جان‌شان طمع نمی‌کنند، بلکه به‌خاطر ترس از آنان تا حدودی دست از ظلم و تعدی می‌کشند و در منازعات به راه‌های مسالمت‌آمیز متوسل می‌شوند. ■

می‌کنند که در هدایت آن‌ها هیچ منطق و برهان کوبنده‌ای مؤثر واقع نمی‌شود و جز با جنگ و اعمال قدرت، دست از عادات زشت و روش‌های خرافی و باطل خود بر نمی‌دارند و تسلیم حق و حقیقت نمی‌شوند. پیامبر اسلام (ص) این واقعیت را چنین بیان می‌فرماید: «یکی و خیر در سایه قدرت شمشیر است و برخی از مردم جز در سایه قدرت به حق تن در نمی‌دهند.» (وسائل الشیعه، کتاب جهاد، باب ۱)

بنابراین، استقامت و پایداری برای درهم‌کوبیدن مظاهر شرک و نفاق و مفساد اجتماعی به‌منظور تحکیم ارزش‌های اخلاقی و انسانی امری مقدس است. به‌همین خاطر مکتب اسلام با وجود امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، در شرایطی حقی و واجب برای همه مسلمانان ایجاد کرده است و حتی جنگ و مبارزه در اسلام مبتنی بر اصولی انسانی و اخلاقی است. اسلام با جنگ نیز معیارها و مقیاس‌های ارزشمند خود را تبلیغ می‌کند. مثلاً رسول اکرم (ص) هنگامی که لشکریان خود را به جنگ می‌فرستاد، به آن‌ها چنین سفارش می‌فرمود: «بروید به نام خدا، در راه خدا، با کمک خدا و بر روش فرستاده خدا عمل کنید، خيانت و مکر نکنید، اعضاء بدن کسی را نبرید و از کار افتادگان، زنان و کودکان را به قتل نرسانید، جز در موارد ضرورت و ناچاری درختی را قطع نکنید. هر یک از شما چه پایین‌ترین یا شریف‌ترین افراد در صورتی که به کسی پناه داد، آن کس مصونیت دارد تا سخن حق را بشنود. اگر پیرو شما شد، برادر شما خواهد بود، وگرنه حتماً او را به پناه‌گاه خود برسانید و در هر حال از خداوند کمک و یاری بخواهید.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۴)

حضرت علی (ع) نیز به ارتش خود هنگامی که آماده پیکار با لشکر معاویه بود، چنین دستوری فرمود: «هر گاه دشمن در میدان نبرد فرار کند، او را تعقیب نکنید و به قتل نرسانید. افرادی که نیروی دفاع از آن‌ها سلب شده و با بدنی مجروح در میدان جنگ افتاده‌اند، نباید مورد آزار و تجاوز قرار دهید. به زنان مصونیت دهید و موجبات ناراحتی و زحمت آنان را فراهم نسازید.»

بنابراین، اگر اسلام دستور جهاد و مقاومت را می‌دهد، نباید تصور شود که تجاوز و خون‌ریزی و پای‌مال کردن حق دیگران در اسلام جایز است، بلکه اسلام، برای دفع تجاوز و ستم و تضمین سلامت جامعه و تأمین امنیت اجتماعی، جهاد و پایداری را تجویز می‌کند. مسلمانانی که برای خداوند عادل پیکار می‌کنند، هرگز از مرز عدالت خارج نمی‌شوند و به فکر تعدی به دیگران نمی‌افتند. قرآن هر گونه فشار و تعدی دشمن را به مقدار تجاوز دشمن محدود و آشکارا این موضوع را به جهادگران خاطر نشان می‌سازد: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم.» (سوره بقره آیه ۱۹۱) «هر کس به شما تجاوز و تعدی کرد، شما پاسخ او را به مثل تجاوز او بدهید.» در آغاز دعوت اسلامی، پیامبر اکرم (ص) نیز با جهاد و مبارزه‌اش همین اهداف را دنبال می‌کرد و بر این اساس، اولیاء الهی همیشه هدف‌شان از ابتدا روشن و واضح است. وقتی، در آغاز دعوت اسلامی، فرستاده رسول اکرم (ص) با فرمانده کل قوای ایران روبه‌رو شد، پادشاه ایران به او گفت: «شما برای کشور گشایی آمده‌اید، گرسنه هستید، برهنه هستید، ما سیرتان می‌کنیم، پول به شما می‌دهیم، به سرزمین خود بازگردید» و گمان می‌کرد در آن مرد تأثیر خواهد کرد. بنگرید این عرب چگونه جمله‌های جاودانه گفت:

«بعثنا لنخرج الاعم من ذل الادیان الی عز الاسلام.» (جهاد و شهادت، آیت‌الله طالقانی، ص ۸۲) «از طرف پیامبر خودمان مبعوث شده‌ایم تا این‌که ملل دنیا را از ذلت قوانین بشری و ادیان تجملی‌رهایی بخشیم و به عزت اسلام برسانیم.» بنابراین هدف جهاد، از جهتی اعتلای کلمه حق است و زمینه پیاده‌شدن مسائل اجتماعی اسلام را فراهم می‌آورد و در زمان پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) منجر به ایجاد حکومت و پس از آن دفاع از حکومت، در مقابل عوامل داخلی و خارجی‌ای که علیه آن برخاسته‌اند، به‌عنوان جهاد تدافعی در زمان غیبت کبری را امری حیاتی و ضروری می‌دانند. از جهتی،

اسلام آمده است تا بشریت را از چنگال ستم‌گران نجات دهد و تسلط و عدالت اجتماعی را، با لغو امتیازات قومی و نژادی، حاکم سازد و حیثیت به‌غارت‌رفته انسان را به او برگرداند